

- «... و مسایل برطبق دلخواه او حل و عقد همواره نمی‌شود». ص ۲۹۱.

استعمال غلط حروف اضافه نیز در کتاب بیش از آن است که به حساب اشتباه حروفچین گذاشت:

- «بر» به جای «به»:

«دنیا بر روی ما سربازان بدبخت و بینوا و بی‌کس که دچار بدترین تصادفات شده بودیم می‌خندید...» ص ۱۱۹.

- «از» به جای «با»:

«... و فقط منتظر غروب خورشید عالم افروز بودند تا بی‌قلبان را در دهان کرده و دود غلیظی از آن درآورده و خود را از آن محصور نمایند». ص ۱۵۷.

- «به» به جای «در»:

«... مقدار زیادی از شب را در همین حالت بدون این که بخواهد یا حرفی بزند به کنجی که نشسته بود گذراند». ص ۲۳۶.

- «به» به جای «با»:

«یک حس تنهایی و مرموزی عثمان را وادار نمود که به سرپنجه یا به طرف خانه محمد برود و از پشت در گوش فرا دهد». ص ۲۴۱.

افعال بکار رفته در برخی از جملات نیز هماهنگی زمانی با همدیگر ندارند و گاهی فعل بکار گرفته شده بی‌ربط است، به نمونه‌های زیر توجه کنید:

- «ممنونم» به جای «خوشحالم» و «کرده باشم» به جای «کنم»:

«من هم ممنونم که توانستم در عالم، چنین کاری برای تو تهیه کرده باشم». ص ۳۳.

- «خواهد رسید» به جای «خواهد آمد»:

«... و خدا می‌دانست چه به روز ما خواهد رسید». ص ۱۱۴.

- «شتابان است» به جای «می‌شتافتند»:

«... عده زیادی سوار مثل ابر به طرف ما شتابان است». ص ۱۱۹.

- «نفهمیدم» به جای «نمی‌فهمیدم»:

«من هنوز نفهمیدم چه خبر است ولی دیدم که...» ص ۱۱۹.

- «داد» به جای «دادند»:

«به آن‌ها گفتم»:

- سلام علیکم

جواد داد: علیکم السلام». ص ۱۲۶.

- «دارد» به جای «داشت»:

«... به پهلوی او کشکولی از نازگیل که برای خرقة او

اختصاص دارد آویزان بود». ص ۱۵۷.

- «می‌نمود» به جای «می‌داد»:

«قریب یک ربع ساعت بدون تزلزل و وحشت به

حملات خود ادامه می‌نمود که ناگهان...». ص ۲۹۳.

از دیگر مواردی که می‌توان در این کتاب بر روی آن

انگشت گذاشت توصیفات و تشبیهات ساختگی و

عجیب و غریبی است که مترجم محترم بدینوسیله

خواسته به شیرینی زبان فارسی افزوده و آن را بیش از

دیگران پاس بدارد. به این نمونه‌ها توجه کنید:

- قسم‌های آبدار:

«قبر علی با قسم‌های آبدار، به پیشخدمت

حکومتی قول داد که فردا صبح بدیدنش برود». ص ۲۸.

- سلام و علیک نرم:

«بنابراین ما جلوی این دسته رفتیم و پس از سلام و

علیک گرم و نرمی آن‌ها را وارد قلعه کردیم». ص ۱۲۶.

- قیافه تاریک:

«قاسم جوابی نداد و با قیافه تاریک و منقلب و

گرفته از اطاق خارج شد...». ص ۱۷۱.

- خنده وداع:

«هر دو خنده وداع کردند و بر زمین افتادند، زیرا

گلوله دیگری جوان احمدزی را...». ص ۲۹۳.

در انتخاب تابلوهایی که در متن کتاب آمده، سعی

شده است تناسب موضوعی با داستان‌ها حفظ شود، اما

معلوم نشده که این تابلوها از آن کیست و مترجم محترم

مشخص ننموده‌اند که تابلوها در متن اصلی (فرانسوی)

کتاب نیز بوده و یا فقط در ترجمه فارسی آورده شده‌اند.

تا آنجایی که نگارنده اطلاع دارد این نقاشی‌ها اثر

«مادام دولاقوا» نقاش فرانسوی است که اصل آنها

هم‌اکنون در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود.

در پایان امیدواریم مترجم و ناشران محترم در

ترجمه و چاپ و نشر آثار بعدی خود دقت بیشتری به

خرج داده و کارهای ارزنده‌ای ارائه نمایند.

با سپهری

تحلیل و گزیده شعر سهراب سپهری

دکتر بهرام مقدادی

مؤسسه انتشاراتی فرهنگی پایا

چاپ اول: ۱۳۷۷

کتاب تحلیل و گزیده شعر سپهری در ۱۲۴ صفحه که شامل ۱۰۰ صفحه گزیده شعرها و ۷۰ صفحه نقد و بررسی است. آنچه در نظر اول از کتاب بر می‌آید این است که دکتر مقدادی با دیدی ستایشگرانه و توجیعی، اما نه منتقدانه، به شعر سپهری می‌پردازد. برخی از مباحث که در کتاب مطرح می‌شوند عبارتند از تأثیر سپهری نقاش بر سپهری شاعر، آوردن ترکیبات تازه، سنت شکنی، سپهری و مرگ، بوداگرایی و بودازدگی و... که مؤلف نه به عنوان بحث اصلی بلکه در خلال خواندن شعرهای سپهری به آنها بر می‌خورد این مباحث بارها عناوین و موضوع بسیاری از مقاله‌های منتقدان و سپهری شناسان بوده. این قسمت از کتاب فقط مرور مطالعات و دانسته‌های قبلی است. صفحاتی از کتاب گونه‌ای نقد تطبیقی را در بردارد اما شباهت‌هایی که بین شعرهای سپهری و آثار کافکا، الیوت و دیکنز... می‌یابد؛ بیشتر شباهت‌های واژگانی است که اگر با دید مؤلف بخواهیم ببینیم، برای همه شعرهای معاصر ما می‌توان نمونه‌ای در شعر غرب یافت. یک نکته را مؤلف از یاد برداند، اینکه با شاعران این عصر در هر موقعیت مکانی که باشند، زمان محیط فکری و اندیشگی و اجتماعی تقریباً مشترکی را تجربه می‌کنند و آن فاصله‌ای که بین همرو فردوسی وجود داشته امروز مطرح نیست. و آنچه که دکتر مقدادی بر آن انگشت می‌نهد نه تقلید است و نه تأثیر پذیری بلکه هم‌اندیشی است.

در ضمن مطالعه کتاب به نظریات عجیب و کشفیات تازه‌ای بر می‌خوریم، به عنوان مثال به برخی از دلایل ایشان درباب تأثیر پذیری سهراب از فروغ بدون بررسی ریشه‌ای، توجه کنید: «استفاده سپهری از واژه «غوک» که از واژه‌های مورد پسند فروغ است ص ۶۱ تکرار واژه «شن» تأثیر فروغ بر سپهری را نشان می‌دهد ص ۲۱ و به همین نحو تأثیرپذیری سپهری از الیوت و... را نیز ثابت می‌کند. مؤلف در متن بارها بر این نکته تأکید می‌کند که سپهری مخالف عقل است و بدون اینکه زمینه‌ها و حسن و قبح این عقل ستیزی و عقل‌گریزی را برشمارد، آنچنان مطرحش می‌کند که انگار حسنی بزرگ برای سپهری است. این کتاب برای خوانندگان جوان و نوجوان احتمالاً در بردارنده نکته‌های تازه‌ای است.

محمد لوطیج

